

آینده‌پژوهی هویت ملی در نظام آموزشی ایران

● فردوس خجسته^۱، علیرضا عصاره^۲، ابراهیم حاجیانی^۳، علیرضا عراقیه^۴

چکیده:

هدف از این مطالعه شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر هویت ملی در نظام آموزشی تا سال ۱۴۱۰ ایران و بررسی جایگاه این پیشران‌ها از لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر یکدیگر است. این پژوهش از لحاظ روش‌شناختی از نوع آمیخته با رویکرد اکتشافی نسبت به آینده است و از طریق راهبرد سند کاوی و به‌کارگیری روش دلفی انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد روندهای جهانی شدن، آموزش شهروندی، رسانه‌ها، ویژگی‌ها و شخصیت معلم و چند فرهنگ‌گرایی بیشترین تأثیر را بر هویت ملی در نظام آموزشی خواهند داشت. وضعیت اقتصادی جامعه از پیشران‌های تأثیرگذار است و متغیرهای آموزش سیاسی، تمرکززدایی از نظام آموزشی و گسترش خط و زبان فارسی نسبت به سایر پیشران‌ها، متغیرهای مستقل هستند. معماری فضای مدرسه و مراکز آموزشی و رابطه خانواده و مدرسه نسبت به دیگر متغیرها، تأثیرپذیری بیشتری خواهند داشت. از این رو، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی، متغیرهای تأثیرگذار بر هویت ملی را مورد توجه قرار داده، با به‌کارگیری برنامه‌های متنوع در تعمیق و تکوین هویت ملی و حفظ انسجام فرهنگی و اجتماعی تلاش کند.

واژگان کلیدی:

هویت ملی، آینده‌پژوهی، نظام آموزشی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در عصر حاضر که مرزهای جغرافیایی و سیاسی کشورها در پرتو فرایند جهانی شدن شکسته شده، تقویت هویت ملی از مسائل اساسی و ضروری است که نیل به آن مستلزم تلاش وافر است. پدیده جهانی شدن انسان‌ها را به سوی یکپارچگی و به عبارت دیگر پیوستن به دهکده جهانی سوق داده است. به همین دلیل لازم است که حکومت‌ها راهکارهایی برای ایجاد تعلق به جامعه ملی در بین شهروندان خویش بیابند. ملی‌گرایی شامل سر سپردن فرد به ملت، سرزمین و مصالح و منافع آن است. از نظر تاریخی ملی‌گرایی که بر دولت - ملت مبتنی است، توانسته است روح وفاداری را در گروه‌های ملی ایجاد کند (گوتک، ۱۳۹۲: ۲۳۷). با آنکه هویت ملی به منزله یکی از سطوح عالی هویت، در تکوین و تداوم جوامع انسانی اهمیت ویژه‌ای دارد، در عین حال از جنبه‌های مختلف می‌تواند برای پژوهشگران به عنوان یک مسأله مطرح باشد. اولین جنبه از مسأله بودن هویت در درون خود این مفهوم نهفته است. با وجود تلاش‌های زیاد در رشته‌های مختلف علمی، برای تعریف هویت و مشخص نمودن مؤلفه‌های آن، هم چنان ساختار، خصوصیات و فرایند شکل‌گیری آن مورد سؤال است. هویت با ماهیت انتزاعی، چندبعدی و مبهمی که دارد، دغدغه فکری بشر در طول تاریخ بوده است. پارادوکس‌های هویتی از جمله، شباهت و تفاوت، ثبات و تغییر، ایستایی و پویایی، خود و دیگری، فرد و اجتماع، منحصر به فرد بودن و اشتراکی بودن، دارا بودن همزمان بار احساسی و عقلانی و وحدت و کثرت در دوره‌های مختلف، ذهن اندیشمندان این حوزه را به خود مشغول کرده و زمینه‌ساز تحقیقات در زمینه هویت بوده است. در جامعه مدرن، این موضوع، درون‌مایه بسیاری از بحث‌ها را دربر می‌گیرد و بحران هویت که جوامع مدرن را تحت‌الشعاع قرار داده، بر گستره این مبحث افزوده است (ذاکری، شمشیری و خرمایی، ۱۳۹۴: ۶). دومین جنبه مسأله بودن هویت ملی، در دوران معاصر، به وجود آمدن پدیده‌هایی همچون جهانی شدن، مدرنیته، مهاجرت، توسعه شهرنشینی، توسعه اقتصادی، تشکیلات اقلیت‌های قومی، جنبش‌های مذهبی و فمینیستی، فضای مجازی و فناوری‌های نوین است. جهانی شدن با برهم ریختن فضای انحصاری ملت‌ها و کاهش دادن قدرت تولید هویت‌سازی و تغییر سبک زندگی سنتی، تنوع و تقابل‌های فرهنگی و قومیتی و ایجاد هویت‌های التقاطی و رویارویی مذاهب و فراهم کردن جامعه شبکه‌ای و نفوذپذیر نمودن مرزها بر پیچیدگی مسأله‌ی هویت به خصوص هویت ملی افزوده است. جامعه ایران نیز از جامعه جهانی جدا نبوده و از عوامل فوق تأثیر پذیرفته است. از سال ۱۳۷۰ ه.ش. جهانی شدن و رسانه‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را فرا گرفته و گسترش و نفوذ ماهواره‌ها و اینترنت به تدریج گرایش‌ها و رفتارها و کنش‌های اجتماعی در جامعه به ویژه نسل نوجوان و جوان را متأثر ساخته و تغییرات و پیامدهایی را در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هویتی به همراه داشته است (میرمحمدی و ساروخانی، ۱۳۹۱: ۶). اگر وضعیت هویت ملی در طی دو قرن اخیر ایران را مورد توجه قرار دهیم با وضعیت چندان خوشایندی روبه‌رو نمی‌شویم. در دو قرن حاضر ایرانیان برای تکوین مفهوم هویت ملی، دائم در کشمکش بین تجدید

و سنت، یا هویت ملی، اسلامی وجهانی بسر برده‌اند (حاجیان، ۱۳۷۹). این وضعیت در جریان گذار جامعه از وضعیت سنتی یعنی ثبات و همسانی به وضعیت مدرن که در آن حرکت و تمایزات بنیادی وجود دارد دیده می‌شود. بدین لحاظ است که ضرورت انسجام ملی در سطوح ساختاری جامعه امری ضروری است. جنبه سوم مسأله بودن هویت در این پژوهش به حوزه نظام آموزشی برمی‌گردد. مرحله حساس هویت‌یابی فرد، دوران نوجوانی است، چراکه از یک طرف فرد با رسیدن به دوره نوجوانی، به مرحله رشد شناختی عملیات انتزاعی رسیده و قادر خواهد بود که جنبه‌های مختلف خود را یکپارچه‌سازی کند و یک درک از کلیت و وحدت، برایش حاصل آید و از طرف دیگر ماهیت انتزاعی هویت، به گونه‌ای است که تا فرد به مرحله تفکر انتزاعی نرسد، قادر به درک آن؛ به گونه‌ای منسجم و یکپارچه نخواهد بود. از این رو مرحله نوجوانی در جریان شکل‌گیری هویت، حیاتی خواهد بود. از دیدگاه اریکسون^۱ نوجوان باید بین تصور و برداشتی که از خود دارد و تصویری که از استنباط و انتظار دیگران از خود کسب می‌کند هماهنگی ایجاد کند (Eriksen, 1993: 94). اریکسون تأکید می‌کند که هویت، زمانی حاصل می‌شود که نوجوان به یک احساس منسجم از اینکه در زندگی به دنبال چه چیزی است، دست‌یافته باشد و اگر ابهامات بیش از حدی درباره تعهدات و ارزش‌های کنونی، برای او مطرح شود، دچار بحران هویت خواهد شد (میلر، ۱۳۹۲: ۱۳۸). از این رو نظام آموزشی که با نوجوانان به طور مستمر در ارتباط است یک هدف و وظیفه اساسی را بر عهده دارد و آن ایجاد وضعیت مشخصی از هویت در فراگیران است. چنانکه بیلانت و ساندرز^۲ معتقدند، هر نوع سیاستگذاری در جهت تقویت مدنیت، با محوریت و مرکزیت محیط‌های آموزشی مثل مدارس و دانشگاه‌ها صورت می‌پذیرد. زیرا نظام آموزشی اصلی‌ترین نهادی است که وظیفه جامعه‌پذیری نسل جدید و درونی‌سازی ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را به عهده دارد (بازرگان، ۱۳۹۷: ۲). هویت ملی دانش‌آموزان پس از خانواده، از طریق گفتمان با پیرامون خود در نظام آموزشی شکل می‌گیرد. این نهاد اجتماعی-فرهنگی در ایران با در اختیار داشتن پانزده میلیون دانش‌آموز در بیش از یکصد و پنجاه هزار مدرسه عهده‌دار تربیت نسل آینده است و غفلت در این شرایط به دلیل گستردگی و اهمیت آن می‌تواند صدمات غیرقابل جبرانی به بار آورد. به همین دلیل نقش برنامه‌های آینده‌نگر و تحقیقات آینده‌پژوهانه در این زمینه، تعیین‌کننده خواهد بود. شناسایی پیشران‌های هویت ملی از پژوهش‌های مهم آینده‌پژوهی است که به مطالعه متغیرهای پایداری یا تغییرپذیری هویت ملی در نظام آموزشی، می‌پردازد و از این رو فرایند تغییر و چگونگی هویت ملی در آینده را پیش‌بینی می‌کند. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز، به ضرورت آینده‌پژوهی تأکید شده است، برای نمونه در بند ۲۹ فصل دوم بیانیه ارزش‌ها آمده است: «آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به‌منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو در عرصه‌های

مختلف». با این وجود تاکنون مطالعات آینده‌پژوهانه کمی در حوزه آموزش و پرورش انجام شده است. در این پژوهش کوشش شده است با رویکرد تفسیرگرایی و تحلیل یافته‌ها، و با استفاده از روش آینده‌پژوهی، پیشران‌های هویت ملی در حوزه آموزش و پرورش شناسایی و تحلیل شده، به سؤال زیر پاسخ داده شود:

متغیرها (پیشران‌ها)ی تأثیرگذار بر هویت ملی در نظام آموزشی تا سال ۱۴۱۰ ایران کدامند؟
و این پیشران‌ها از لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری چه جایگاهی دارند؟

مبانی نظری پژوهش

در عرصه نظری، می‌توان به سه رویکرد درباره هویت اشاره کرد: رویکرد جوهرگرایانه، سازه‌گرایی اجتماعی و رویکرد گفتمانی. لاک و دکارت را چهره‌های مشهور رویکرد جوهرگرایانه باید دانست. مفهوم هویت در این رویکرد بر این عقیده استوار است که در انسان هسته درونی یا (خود)ی وجود دارد. این خود در بدو تولد ظاهر می‌شود و در طی زمان به تدریج گشوده می‌شود. جان لاک معتقد است خود به‌عنوان خاطره خوبی‌ها و بدی‌ها به‌عنوان یک امر واقعی در آگاهی، استمرار و مشابهت آگاهی، به هویت امکان بقا می‌دهد و این امر از نظر وی مسئولیت اخلاقی فردی است (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳). رویکرد جوهرگرایانه در بنیاد به وجود هسته سخت و پایداری در هویت انسانی اعتقاد دارد. این هسته سخت، خصوصیتی را به نحو ذاتی و جبری در هویت انسانی پدیدار می‌آورد. هر فرد در رویکرد فردگرایانه و هر جماعتی در رویکرد جامعه‌گرایانه دارای یک هسته هویتی سخت است که هویت او را پدید می‌آورد، قوام می‌بخشد و از توانایی تاریخی برخوردار می‌سازد (اکبری و عزیز، ۱۳۸۷: ۱۴).

سازه‌گرایی اجتماعی یا جامعه‌پذیری رهیافتی است جامعه‌شناختی که موضوع هویت را از رهگذر کنش متقابل بین فرد و جامعه مورد رسیدگی قرار می‌دهد. از این منظر انسان همچنان حامل هسته‌ای باطنی است که همان من واقعی اوست، «من»ی که از طریق عوامل فرهنگی خارج و داخل و هویت‌هایی که از آن‌ها برون می‌تابد، شکل می‌گیرد. هویت در این دیدگاه، میان شکاف حوزه خصوصی و عمومی پل می‌زند. همچنین جامعه‌شناسان، هویت جمعی یا اجتماع را محصول فرآیند اجتماعی شدن انسانی می‌دانند. به‌نظر جرج هربرت مید، از چهره‌های مشهور این رویکرد، هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۸: ۷۵). در واقع نظریه مید درباره خود و نحوه تکوین آن به‌خوبی نشان می‌دهد که هویت مضمون و ماهیتی اجتماعی دارد. در نگاه ریچارد جنکینز^۲ (۱۳۹۹) همه هویت‌های

1. Mead, George Herbert

2. Jenkins, Richard

انسانی به یک معنا هویت اجتماعی هستند. هویت به معنا مربوط می‌شود و معنا در اثر توافق و عدم توافق به دست می‌آید. ساروخانی و کروبوی (۱۳۸۸) معتقدند، اجتماعی شدن، فرایند آموزش ارزش‌ها، شکل‌گیری طرز تلقی‌ها و فراگیری رفتارهای متناسب با هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه است. در این رویکرد فرد با تحقق فرایند اجتماعی شدن، هویت یا من اجتماعی می‌یابد. همچنین دانستنی‌های ضروری را برای انجام دادن درست نقش‌های اجتماعی کسب می‌کند. در رویکرد گفتمانی، هویت ضرورتاً و به‌طور مستمر از گوهر ثابتی برخوردار نیست، هویت، کارناوال متغیر و متحرکی است که همواره در ارتباط با جریان‌هایی که ما نماینده یا مخاطبشان واقع می‌شویم و از طریق نظام‌های فرهنگی که ما را احاطه کرده‌اند؛ شکل می‌یابد و تغییر می‌کند. هویت انسان از لحاظ تاریخی و اجتماعی معلق در فضا است و به‌وسیله کردارهای تاریخی تغییر سمت می‌دهد. بنابراین از این منظر، از انسان ذاتی یا هویت ذاتی نمی‌توان سخن گفت، زیرا انسان تجلی‌های تاریخی گوناگون پیدا می‌کند. الگوی تبیین شده در این رویکرد به هویت از منظر تاریخی و نه از منظر زیست‌شناختی می‌نگرد و معتقد است انسان موضوع هویت‌های گوناگون در زمان‌های مختلف است، هویت‌هایی که پیرامون یک «من» منسجم نمی‌شوند. از این رو تعیین هویت انسان، همواره در حال دگرگونی است. آنچه در فرایند شکل‌گیری هویت، قابل تأمل و تعمق است صرفاً منطق تکرارپذیری نشانه‌ها و نمادهای هویتی از بستر یک گفتمان به گفتمان دیگر است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۶). برای رویکرد گفتمانی هیچ هویت اجتماعی بنیادینی در کار نیست. قدرت و دانش در هر عصری هویت انسان را رقم می‌زنند. در میان نظریه‌های موجود این نظریه گفتمان است که به نحوی هدفمند بین عناصری مانند قدرت، ایدئولوژی، زبان و فرهنگ رابطه برقرار می‌کند. فوکو، مکان‌های آموزشی را به‌مثابه تولیدکنندگان گفتمان ویژه تاریخی تلقی می‌کند، یعنی مکان‌هایی که در آن‌ها درستی یا نادرستی و قبول یا عدم قبول برخی از گفتمان‌های مدرن تولید می‌شوند. مکان‌های آموزشی نه‌تنها موضوع گفتمان‌اند بلکه به صورتی تمرکز یافته در گسترش و انتشار گفتمان درگیرند. هر نظام آموزشی ابزاری سیاسی برای بقا یا تعدیل گفتمان‌ها با دانش و قدرت است (اشرف نظری و حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲). به نظر فوکو مدارس به‌عنوان نوعی نهاد انضباطی زمان و مکان لازم را برای تغییر رفتار دانش‌آموزان در مسیری که مقدر است فراهم می‌سازند. او معتقد است نظام آموزشی با هویت‌سازی برای افراد برای خود مشروعیت کسب می‌کند (فوکو، ۱۴۰۰: ۲۰۱). اگرچه این رویکردهای نظری از محورهای تبیین هویت و همبستگی ملی به شمار می‌آیند، اما صرفاً قرار دادن عناصر مؤثر در همبستگی ملی در قالب این دیدگاه‌ها، سبب اغماض و نادیده گرفتن برخی از عناصر مؤثر در تحکیم همبستگی ملی خواهد بود. بنابراین باید بر این نکته اساسی اذعان نمود که هر ملت بر اساس معیارها و عواملی که قابلیت تطبیق با ساختارهای فرهنگی و هویتی خاص آن ملت را دارد مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا

نظام آموزشی نقش به‌سزایی را می‌تواند ایفا کنند؛ چراکه مدارس، بخش اساسی جامعه ما را تشکیل می‌دهند و برای انتقال دانش و ارزش‌ها، بسیار بااهمیت هستند. ساخت هویتی هر جامعه به‌نوعی تعیین‌کننده برنامه‌ها و راهکارهای نظام آموزشی آن جامعه است و نظام آموزشی نیز بر ساخت هویتی جامعه تأثیر متقابل دارد؛ بنابراین پیش‌بینی عوامل مؤثر بر تغییرات آینده، برای سیاست‌گذاران نظام آموزشی این فرصت را فراهم می‌کند که مهار تغییرات را در دست گرفته، با اقدامات هدفمند خود در جهان مملو از عدم قطعیت‌ها، به چشم‌انداز روشنی درزمینه هویت ملی دست یابند و با تقویت انسجام ملی مسیر توسعه و پیشرفت را هموار نمایند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با آینده‌پژوهی هویت ملی می‌توان به پژوهش اخلاقی، صالح صدق پور و نویدادهم (۱۳۹۹) اشاره کرد؛ آن‌ها در مقاله «آینده‌پژوهی اجرای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق ۱۴۰۴» به این نتیجه رسیدند که از ۵۸ بازیگر اولیه مرتبط با سند، ۱۴ بازیگر کلیدی هستند که در میان آن‌ها اجماع و توافق کاملی درباره مفاد، اهداف و اجرای سند وجود ندارد. به عبارتی انسجام نهادی کافی میان بازیگران کلیدی برای اجرا سند برقرار نیست. به عبارتی هرچند نهادها مخالفتی با مضامین سند ندارند اما اصرار، اهتمام و جدیتی برای اجرا و پیاده‌سازی این سند ملی در افق پیش رو دیده نمی‌شود. لذا پیش‌بینی می‌شود اجرا و پیاده‌سازی این سند با چالش‌های اساسی از سوی نهادها و بازیگران روبرو شود و نهاد متولی (شورای عالی آموزش و پرورش) لازم است با ایجاد مفاهیم سیاستی و سازگاری نهادی زمینه ایجاد توافق و هماهنگی بیشتر را فراهم آورد.

پژوهش رهسپار، صالحی، عزتی و ذوالفقارزاده (۱۳۹۸) باعنوان «شناسایی و تحلیل ساختاری تأثیر متقابل پیشران‌های تغییر در حوزه آموزش و پرورش»، پیشران‌های جهانی‌شدن (بین‌المللی شدن آموزش و پرورش)، تنوع‌طلبی، شبکه اینترنت، انتقال از آموزش به یادگیری و شناسایی و به‌کارگیری الگوهای بهتر و توسعه فناوری دیجیتال را دارای تأثیرگذاری بالا معرفی کرده است. حاجیانی و ایروانی (۱۳۹۷) در مقاله «آینده‌پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷ نشان دادند که هویت مدرن، توسعه و کارآمدی و تساهل و مدارا، عدم قطعیت‌های کلیدی تأثیرگذار بر هویت ملی ایران در ده سال آینده است.

تحقیق رمضان پور و خالقی و حاجی حسینی (۱۳۹۶) باعنوان «پیشران‌های تأثیرگذار بر فرصت‌های کارآفرینی در نظام آموزشی»، پیشران‌های سطح سواد دیجیتالی نسل امروز و فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری در این زمینه را معرفی کرده است و نشان می‌دهد که رفاه اقتصادی به واسطه افزایش طبقه متوسط در تمامی پیشران‌های برنامه درسی هویت ملی در حال و آینده سایه‌گستر خواهد بود و تمامی ارکان یادگیری - یاددهی را در سطح کشور تحت

تأثیر خود قرار خواهد داد.

چرخاب، حسین پور، نصیری و کرابی (۱۳۹۳) با شناسایی ویژگی‌ها و شایستگی‌ها در توسعه منابع انسانی آموزش و پرورش با رویکرد آینده‌پژوهی، با استفاده از سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی، و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، الگویی شامل یک بعد و چهار مؤلفه را معرفی کرده‌اند. اشرافی بوبیه (۱۳۹۲) با استفاده از روش کیفی به شناسایی مؤلفه‌های آینده‌پژوهی در محیط‌های آموزشی پرداخته و سپس با روش کمی آن‌ها را اعتبار سنجی کرده است و تفاوت‌ها و تشابهات دیدگاه‌های اسلامی و غربی در این رابطه را بیان نموده است.

روحانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «چشم‌انداز هویت ملی و دینی ایرانی» به کیفیت تعاملات میان هویت ملی و هویت مذهبی در چارچوب تحولات تاریخی معاصر پرداخته است و روابط بین آن‌ها را به صورت نسبی پویا و تعاملی پیش‌بینی نموده است.

ابوالحسنی (۱۳۹۰) در مقاله «جهت‌گیری هویت ملی ایران در آینده» ساختار اجتماعی و اقتصادی، فناوری ارتباطی و رسانه‌های جمعی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر هویت ملی می‌داند. حاجیانی (۱۳۹۰) در مقاله «آینده‌شناسی هویت جمعی در ایران با روش تحلیل ماتریس متقاطع» عناصر سازنده هویت جمعی در ایران را بررسی و مناسبات تعاملی میان آن‌ها را واکاوی نموده است. او معتقد است در ایران آینده، هویت مدرن از اهمیت برجسته‌ای برخوردار خواهد بود. قنبری (۱۳۹۰) در مقاله «نگاهی به آینده هویت ملی ایرانیان» به پیش‌بینی وضعیت هویت ملی در بیست سال آینده پرداخته است. در مجموع، نتایج تحقیقات یادشده، ضمن شناسایی متغیرهای مؤثر بر هویت ملی به تحلیل و واکاوی آینده احتمالی هویت ملی پرداخته و با مسأله هویت درگیر هستند.

روش پژوهش

ازلحاظ روش‌شناختی، این تحقیق از نوع آمیخته با رویکرد اکتشافی نسبت به آینده است و از طریق راهبرد سند کاوی در اسناد بالادستی و تحقیقات از قبل انجام‌شده و به کارگیری روش دلفی انجام گرفته است.

میدان پژوهش (جامعه آماری): تمام اساتید صاحب‌نظر در حوزه هویت ملی و نظام آموزشی و آینده‌پژوهی بوده‌اند.

شرکت‌کنندگان (نمونه آماری): جهت نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. آشنا بودن با دانش آینده‌پژوهی و داشتن اطلاع عمیق و تجربه کافی در ارتباط با هویت ملی و نظام آموزشی ملاک انتخاب بود که منجر به انتخاب ۱۵ نفر شد. مشخصات افراد در جدول شماره ۱ آمده است.

روش گردآوری اطلاعات: از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

اعتبار ابزار: سه سویه‌سازی یا مثلث‌سازی: فرض اصلی سه سویه‌سازی بر این اصل استوار

است که نتایج به دست آمده از یک منبع اغلب موجب تقویت نتایج به دست آمده از منابع دیگر می شود و از این طریق قابلیت اعتماد یافته ها افزایش می یابد (نصرافهانی و کریمی، ۱۳۹۲). بر این اساس برای جمع آوری داده ها سه منبع مختلف مانند ۱. اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. پژوهش های داخلی و خارجی در زمینه های هویت ملی و آینده پژوهی و نظام آموزشی و ۳. نظر متخصصان مورد مطالعه قرار گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده ها: داده ها با استفاده از نرم افزار میک مک^۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. مشخصات صاحب نظران پاسخ گو به سؤالات پرسشنامه آینده پژوهی

کد	مدرک تحصیلی	محل کار یا تحصیل
۱	دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه شهید بهشتی
۲	دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه خوارزمی
۳	دکترای برنامه ریزی آموزشی	دانشگاه کاشان
۴	دکترای تاریخ	دانشگاه کردستان
۵	دکترای جامعه شناسی	دانشگاه شاهد
۶	دکترای آینده پژوهی	دانشگاه دفاع ملی
۷	دکترای آینده پژوهی	دانشگاه تهران
۸	دکترای برنامه ریزی درسی	آموزش و پرورش
۹	دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه اصفهان
۱۰	دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه آزاد اسلامی
۱۱	دکترای علوم سیاسی	پدافند غیرعامل کشور
۱۲	دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه شهید بهشتی
۱۳	دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی	دانشگاه شهید بهشتی
۱۴	دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی	دانشگاه علامه طباطبایی
۱۵	دانشجوی دکترای علوم تربیتی	آموزش و پرورش

در مرحله اول برای انتخاب پیشران های مؤثر بر هویت ملی در نظام آموزشی از طریق مرور پژوهش های انجام شده و اسناد بالادستی به بررسی پرداخته شد. با توجه به مطالعات صورت گرفته، بررسی پیشینه پژوهش و با مشورت با اساتید حوزه آینده پژوهی و تعلیم و تربیت و هویت ملی، فهرست کلمات کلیدی تهیه و با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی در دسترس در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ به جست و جو پرداخته شد. در مرحله دوم با ارسال پرسشنامه ای با ۳۴ سؤال (جدول شماره ۲) به صورت الکترونیکی برای خبرگان جهت تعیین میزان اهمیت پیشران ها با اعداد ۱ تا ۱۰، بیست پیشران (متغیر) که ۹۰ درصد موارد نمره بالای ۷ گرفته بودند، به دست آمد.

جدول ۲. پیشران‌های پیشنهادی در مرحله اول دلفی

میزان اهمیت لطفاً در بازه (۱ تا ۱۰ که از بی‌اهمیت تا اهمیت خیلی زیاد نمره دهید)										ابعاد پیشران‌ها
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										۱. جهانی شدن
										۲. قوانین آموزشی بین‌المللی و منطقه‌ای
										۳. توسعه و بازسازی نظام آموزشی
										۴. تمرکززدایی از برنامه درسی
										۵. مدرسه محوری و تفویض اختیار به مدیران آموزشگاهی
										۶. اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
										۷. نظام سنجش آموزش کشور
										۸. نظارت و تضمین کیفیت در برنامه درسی
										۹. تقویت آزادی و دموکراسی در مراکز آموزشی
										۱۰. کثرت‌گرایی فرهنگی در برنامه درسی
										۱۱. شکاف بین دینداری سنتی و مدرن
										۱۲. رواج فردگرایی در جامعه
										۱۳. وضعیت اقتصادی جامعه
										۱۴. واردات کالاهای فرهنگی (کتاب، اسباب‌بازی)
										۱۵. تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی مولتی مدیا (صداوسیما، ماهواره، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی)
										۱۶. وجود فناوری‌های آموزشی و استفاده از آن‌ها در مدارس
										۱۷. اهمیت به تاریخ در برنامه درسی
										۱۸. آموزش شهروندی
										۱۹. تربیت سیاسی
										۲۰. باستان‌گرایی
										۲۱. گسترش خط و زبان فارسی
										۲۲. معماری مدرسه و مراکز آموزشی
										۲۳. عدالت در توزیع امکانات و تجهیزات مدارس
										۲۴. ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای معلم
										۲۵. امنیت شغلی معلم
										۲۶. اهمیت محیط‌زیست
										۲۷. روابط انسانی در مدرسه
										۲۸. بهسازی منابع انسانی با تأکید بر جذب استعدادهاى برتر
										۲۹. رابطه خانواده با مدرسه
										۳۰. شایع شدن ویروس کرونا
										۳۱. تغییرات پی‌درپی در نظام آموزشی
										۳۲. بی‌ثباتی مدیریتی در آموزش و پرورش
										۳۳. ضعف در نظام تربیت معلم
										۳۴. بحران‌زا بودن طبیعت ایران مانند سیل و زلزله

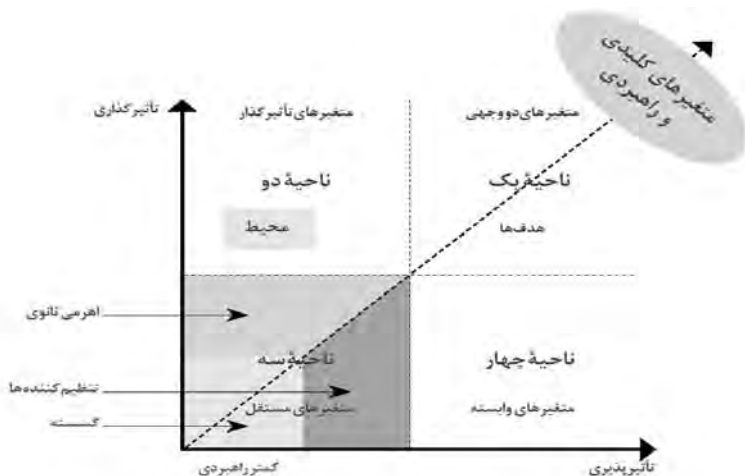
در راند دوم دلفی این پیشران‌ها به ۱۱ متغیر تقلیل یافت که عبارت‌اند از: جهانی‌شدن، تأثیر رسانه‌ها، تمرکززدایی از نظام آموزشی، کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام آموزشی، تربیت سیاسی، گسترش زبان و خط فارسی، آموزش شهروندی، معماری مدرسه و مرکز آموزشی، ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصیتی معلم، رابطه خانواده و مدرسه و وضعیت اقتصادی جامعه. در مرحله سوم دلفی از خبرگان خواسته شد تأثیر هر یک از متغیرها را بر متغیرهای دیگر با نمرات ۰ تا ۳ (= بی‌تأثیر، ۱= تأثیر کم، ۲= تأثیر متوسط، ۳= تأثیر زیاد) معین کنند و جدولی به صورت ۱۱×۱۱ به دست آمد (ماتریس تحلیل اثرات متقاطع، جدول شماره ۳). بدین ترتیب میزان وابستگی یک متغیر به دیگر متغیرها مشخص گردید. سپس به کمک نرم‌افزار تحلیل ساختاری میک مک، نتایج تحلیل شد.

جدول ۳. ماتریس تحلیل اثرات متقاطع بر اساس نظر خبرگان

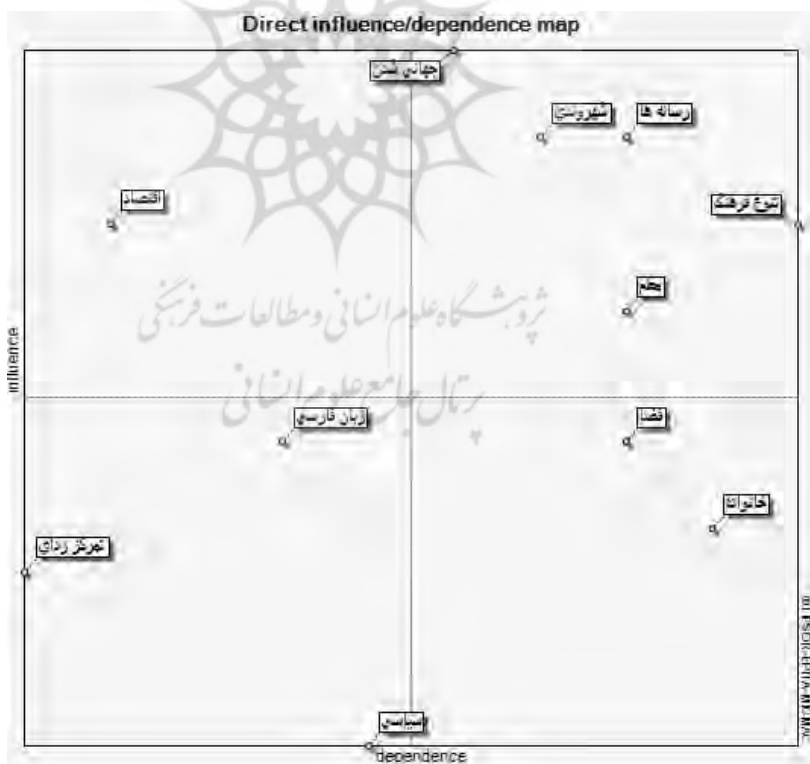
جهانی‌شدن	وضعیت اقتصادی جامعه	رسانه‌ها	کثرت‌گرایی فرهنگی	آموزش شهروندی	تربیت سیاسی	تمرکززدایی	گسترش خط و زبان فارسی	معماری مدرسه	ویژگی‌های معلم	رابطه خانواده و مدرسه
۲	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۳	۳
۲	۳	۳	۳	۲	۳	۱	۲	۲	۲	۲
۳	۲	۲	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۲	۲
۲	۱	۲	۲	۳	۱	۲	۱	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۳	۲
۲	۲	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۱	۳	۱
۳	۱	۲	۰	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲
۱	۲	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۲
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۲	۱	۳	۳
۱	۱	۰	۳	۱	۲	۱	۱	۲	۳	۳

پس از وارد نمودن اعداد جدول ۳ در نرم‌افزار میک مک نمودار ۲ به دست آمد که این نمودار با نمودار گرافیکی استاندارد (نمودار شماره ۱) تطابق داده شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها



نمودار ۱. نقشه موقعیت‌های چهارگانه محور مختصات میک مک



نمودار ۲. نقشه تأثیر پذیری و تأثیر گذاری پیشران‌های مؤثر بر هویت ملی در نظام آموزشی

۱. ناحیه ۱ (قسمت شمال شرقی نمودار): متغیرهای «جهانی شدن، تأثیر رسانه‌ها، آموزش شهروندی، کثرت‌گرایی فرهنگی و ویژگی معلم» در این ناحیه قرار گرفته‌اند. این متغیرهای راهبردی بوده و بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند. هم قابل دست‌کاری و کنترل هستند و هم بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می‌گذارند. این متغیرها به دو قسمت تقسیم می‌شوند. جهانی شدن و تأثیر رسانه‌ها و آموزش شهروندی که بالای خط قطری این ناحیه قرار می‌گیرند، متغیرهای «ریسک» نامیده می‌شوند زیرا ظرفیت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی را دارند؛ یعنی به سرعت تغییرات بر آن‌ها اثر می‌گذارند و آن‌ها نیز این تغییرات را خیلی سریع به متغیرهای دیگر منتقل می‌کنند. متغیرهایی که زیر خط قطری این ناحیه قرار می‌گیرند متغیرهای «هدف» نامیده می‌شوند و نتایج سیستم را به نمایش می‌گذارند. به عبارت دیگر، با دست‌کاری این متغیرها سیستم تغییرات تکاملی را در پیش خواهد گرفت.

۲. ناحیه ۲ (قسمت شمال غربی نمودار): متغیر «وضعیت اقتصادی جامعه» در این ناحیه قرار گرفته است. برنامه ریزان به‌ندرت قادر به تغییر در متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۲ هستند. این متغیر به‌عنوان بحرانی‌ترین پیشران، بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر است. این متغیر بر دیگر متغیرها به‌خصوص متغیرهای ناحیه ۴ یعنی ارتباط خانواده و مدرسه و معماری فضای مدرسه تأثیرگذار است.

۳. ناحیه ۳ (قسمت جنوب غربی نمودار): پیشران‌های «تربیت سیاسی، گسترش خط و زبان فارسی، تمرکززدایی از نظام آموزشی» در این ناحیه قرار گرفته‌اند. این متغیرها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمی‌توانند متغیرهای راهبردی محسوب شوند. این متغیرها از سایر متغیرهای سیستم تأثیر نمی‌پذیرند، بر آن‌ها اثر زیادی ندارند و ارتباط کمی با سیستم دارند. در این قسمت سه نوع متغیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف) متغیر گسسته: در نزدیکی مبدأ مختصات قرار دارند و ارتباطی به پویایی و تغییرات سیستم ندارند، «متمرکز زادی از نظام آموزشی» در این قسمت از نمودار قرار گرفته است.

ب) متغیر اهرمی ثانویه: «گسترش خط و زبان فارسی» در این قسمت از نمودار قرار گرفته است که بیشتر از آنکه تأثیرپذیر باشد، تأثیرگذار است. چون بالای خط قطری قرار گرفته است به‌عنوان نقطه معیار یا سنجش قابل استفاده است.

ج) متغیرهای تنظیمی: «تربیت سیاسی» زیر خط قطری و نزدیکی مرکز ثقل قرار دارند و می‌توانند به‌عنوان متغیر تأثیرگذار ثانویه و یک هدف ضعیف مورد تحلیل قرار گیرند.

۴. ناحیه ۴ (قسمت جنوب شرقی نمودار): «متغیر ارتباط خانواده و مدرسه و متغیر معماری فضای مدرسه» در این ناحیه قرار گرفته‌اند این متغیرها به دلیل وابستگی شدید به سایر متغیرها خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر از سایر متغیرها نتیجه می‌شوند. خلاصه یافته‌های بخش آینده‌پژوهی در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. موقعیت پیشران‌ها در مختصات میک مک

نواحی مختصات	اثرات متقابل مستقیم پیشران‌ها
ناحیه ۱ اثرگذاری بالا اثرپذیری بالا	۱. جهانی شدن ۲. آموزش شهروندی ۳. تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی مولتی مدیا ۴. کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام آموزشی ۵. ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصیتی معلم
ناحیه ۲ اثرگذاری بالا اثرپذیری پایین	وضعیت اقتصادی جامعه
ناحیه ۳ اثرگذاری پایین اثرپذیری پایین	۱. تربیت سیاسی ۲. تمرکززدایی از نظام آموزشی ۳. گسترش خط و زبان فارسی
ناحیه ۴ اثرگذاری پایین اثرپذیری بالا	۱. فضای مدرسه و مراکز آموزشی ۲. رابطه خانواده و مدرسه

بحث و نتیجه‌گیری

تفکر درباره آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده امکان‌پذیر است؛ اما کنش امکان‌پذیر نیست، چراکه عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیشران‌های کلی اقدامات فعلی ما هستند.

در این پژوهش، پیشران‌های جهانی شدن، آموزش شهروندی، تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی مولتی مدیا، کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام آموزشی و ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصیتی معلم متغیرهای راهبردی بوده و بسیار تأثیرگذار هستند. از این بین فرایند جهانی شدن در دهه‌های اخیر و به خصوص بعد از پایان جنگ سرد، به یک‌روند مسلط فکری و مفهومی در عرصه روابط بین‌المللی تبدیل شده است و به تعبیری این مفهوم جزئی از ذخیره لغات و محفوظات مردم قرار گرفته است. درباره جهانی شدن و تأثیر آن بر مسائلی همچون هویت ملی، مرزها، حاکمیت و دولت بحث‌های فراوان صورت گرفته است. جهانی شدن بر نظام آموزشی نیز بی‌تأثیر نبوده است. از منظر هویتی، برخی صاحب‌نظران اعتقاد دارند که جهانی شدن باعث تضعیف هویت‌های ملی کشورها می‌شود و هویت‌های جدید مانند هویت‌های جنسیتی، هویت‌های زبانی، قومی و مانند آن را جایگزین هویت ملی می‌کند. گرچه در قرن بیستم فرایندهای جهانی شدن، برهمبستگی ملی، ظهور بازیگران جدید و گسترش ارتباطات تأثیر گذاشته؛ اما نتوانسته است هویت ملی را از صحنه زندگی داخلی و بین‌المللی بشری حذف کند. در جهان امروز اگرچه افراد و گروه‌ها ممکن

است نظر و دیدگاه متفاوتی به زندگی داشته باشند، درعین حال آن‌ها دارای خواسته‌ها و نیازهای مشترک نیز هستند. در نظام جهانی، کثرت‌گرایی فرهنگی به توانایی درک و فهم تشابهات و تفاوت‌ها در رسوم، ارزش‌ها و باورهای فرد از فرهنگ خود و سایر فرهنگ‌ها اشاره می‌کند. کثرت‌گرایی فرهنگی به روشنی از نحوه تعامل و اثرپذیری متقابل و رفتار و کردار فرد با سایرین سخن گفته و نسبت به باورها، ارزش‌ها و حساسیت‌های فرهنگی مردمان سایر ملل نظیر تبعیض، نژادپرستی، پیش‌داوری و رفتار و کردار کلیشه‌ای یا قالبی حساس می‌باشد. باسواد چند فرهنگی از محدوده فرهنگ خود فراتر رفته و سایر فرهنگ‌ها را نیز مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد (بئوپر^۱، ۲۰۰۰). نظام آموزشی در کنار آشنانمودن دانش‌آموزان با فرهنگ ملی، باید آشنایی با فرهنگ سایر ملل را نیز در دستور کار قرار دهد و به دانش‌آموزان بیاموزد که برای همه انسان‌ها در هر فرهنگ و ملت و نژادی، احترام انسانی قائل شوند و برای ارتقای جایگاه خود نباید هیچ فرهنگ دیگری را سرکوب کنند. تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، طبقه اجتماعی، دینی و زبانی یکی از مشخصه‌های اساسی جهان امروز و عاملی مؤثر در تعاملات بین فردی و ساخت اجتماعی قلمداد می‌شود. به‌رغم اینکه برای پیشگیری از تبعیض‌های مبتنی بر نژاد، عقیده، رنگ پوست، جنسیت و سن، کم‌وبیش قوانینی وضع شده است؛ اما جامعه جهانی همچنان اسیر نگرش‌ها و رفتارهایی است که در قبال برخی از گروه‌های قومی، فرهنگی، اجتماعی با تبعیض و تفکیک برخورد می‌کند. کیم و هابارد^۲ (۲۰۰۷: ۲۲۳۹) معتقدند که تفاهم بین اعضای فرهنگ‌های متفاوت همیشه مهم بوده، اما هیچ‌وقت به اندازه قرن حاضر با اهمیت نبوده است. قبلاً تفاهم برای قدرت و حکومت یا دادوستد ضرورت داشت، اما امروزه ارتباطات و حساسیت بین فرهنگی یک موضوع بقا برای بشر است. گی و همکاران^۳ (۲۰۰۰) بر این اعتقادند که باید تأکید ویژه‌ای بر تشکیل گروه‌های قومیتی، نژادی، جنسی و توانایی‌های گوناگون در کلاس داشت. در چنین گروه‌هایی با ارائه تکالیفی که مستلزم توانایی‌های گوناگون است، دانش‌آموزان نقاط قوت یکدیگر را تکمیل و نقاط ضعف را جبران می‌کنند. از طرفی با تغییر مرتب اعضای گروه‌ها می‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان شخصیت‌های گوناگون را تجربه کنند. آن‌ها اظهار می‌کنند که یادگیری مشارکتی منجر به نگرش‌های نژادی مثبت و افزایش اعتمادبه‌نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اقلیت می‌شود. مفاهیمی مثل جهانی‌شدن و حقوق بشر می‌تواند در قالب حقوق شهروندی دیده شود. شهروندی شأنی است که در آن به‌طور ضمنی بر برابری انسان‌هایی که عضو یک دولت ملی هستند، تأکید می‌شود. این تساوی و برابری در حقوق شهروندی، به‌طور رسمی برای تمامی اعضای یک ملت جدا از تمایزات نژادی، زبانی، قومی وجود دارد. از نقطه نظر هویت ملی نکته مهم این است که از لحاظ روانی اعضای یک ملت

1. Beaupre
2. Kim and Hubbard
3. Gay, Geneva. Tyrone, C. Howard

احساس کنند در دستیابی به این حقوق موقعیتی برابر دارند و به آن‌ها ظلم و تبعیض روا نشده است. هر چه یک نظام سیاسی در تأمین این برابری عملکرد موفق‌تری داشته باشد، هویت ملی در آن کشور بحران کمتری دارد. محروم شدن برخی از اقوام یا گروه‌ها از حقوق شهروندی منجر به حاشیه‌ای شدن آن‌ها می‌شود که این امر خود، سبب زنده شدن و تقویت هویت‌های مادون ملی همانند قومیت، نژاد، محله‌گرایی و ... می‌شود و زمینه را برای دست زدن آن‌ها به اعمال سیاسی و از جمله مدعی شدن برای حق تعیین سرنوشت فراهم می‌کند. اسمیت^(۱۳۸۳) معتقد است که ظهور ملی‌گرایی و تقویت همبستگی ملی مستلزم ایفای نقش دولت‌ها در آموزش شهروندان برای ایجاد همبستگی ملی است. در این زمینه معلم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، او به‌عنوان یک الگو و اسوه می‌تواند دانش‌آموزان را به کشور علاقه‌مند یا بیزار نماید. البته باید توجه داشت که الگوپردازی دانش‌آموزان صرفاً از وجود معلم نیست بلکه افرادی مانند، هنرمندان، مشاهیر فرهنگی و ادبی، سیاستمداران، فعالان اجتماعی، رهبران دینی، شهدا، قهرمانان نظامی و فعالان محیط‌زیست نیز نقش الگویی برای دانش‌آموزان دارند. در مرحله بازتولید هویت ملی، گفتگو و تعامل در مدرسه بین معلم و دانش‌آموز، دانش‌آموزان با یکدیگر و دانش‌آموزان با سایر کارکنان در ایجاد ارتباط مؤثر، نقش مهمی دارد. این گفتگو در خانواده نیز باید شکل بگیرد. ما در خانواده با بچه‌ها گفتگو نمی‌کنیم و دقیقاً این رابطه در مقیاس بزرگ‌تر در جامعه تکثیر می‌شود. رابطه در سطح مدرسه، خانواده و جامعه سلطه‌گرانه است. دانش‌آموزان باید بتوانند با معلم گفتگو کنند، آن‌ها نیاز به شنیده شدن دارند. به‌خصوص دانش‌آموزان دختر در این زمینه نیازمندتر هستند. معلم باید در جهت تقویت هویت ملی دانش‌آموزان، تفکر انتقادی را به آن‌ها بیاموزد. در این مرحله دانش‌آموز باید با پرسشگری و تفکر انتقادی به داشته‌های ملی خود بنگرد، پالایش کند، غربال کند، انتخاب کند، به‌روزرسانی کند، دوست بدارد و احساس تعلق کند. در مرحله دوم، نظام آموزشی با مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه و حتی جامعه محلی، او را کمک کند تا برای ورود به جامعه آینده آماده شود. فعال نمودن شورای دانش‌آموزی و استفاده از ظرفیت بالای این شورا در اداره امور مدرسه یکی از راه‌های ساده و در دسترس است. معلم می‌تواند با تطبیق دادن داشته‌های ملی ایران به‌خصوص در رشته‌های فرهنگی، ادبی، تاریخی و جغرافیایی با کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای منطقه، حس غرور ملی و تعلق به سرزمین را در آن‌ها زنده کند و با ارتباط دادن گذشته باحال، دانش‌آموزان را در جهت برداشتن گام‌های استوارتر به سوی آینده امیدبخش مطمئن گرداند. به‌جز معلم که در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان نقش بسزایی دارد رسانه‌های ارتباط‌جمعی نیز یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر هویت ملی تشخیص داده شد. در جوامع امروزی و با ظهور و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات تمام مرزهای هویتی مانند خانواده و محله و قومیت و ملیت به‌شدت نفوذپذیر

شده است. در دنیای کنونی رسانه‌های ارتباط جمعی سرعت زیادی به تغییرات اجتماعی داده‌اند. حتی پابرجاترین عرصه حیات بشری یعنی فرهنگ جامعه را نیز درنوردیده‌اند. تحولی که بارلو^۱ آن را جدی‌ترین تحول فرهنگی بعد از کشف آتش می‌داند. فناوری‌های نوین با فراهم آوردن امکان پیدایش جامعه شبکه‌ای که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت تازه بخشیده، علاوه بر قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط انسان‌ها و نگرش او را نسبت به خود، تغییر داده است؛ بنابراین باید اذعان داشت که بیش از هر چیزی دیگر این هویت است که در بحران فرهنگی ناشی از گسترش رسانه‌ها مسأله آفرین شده است. کوهی و حسنی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان رابطه استفاده از رسانه‌های نوین با ابعاد هویتی در نوجوانان و جوانان تبریز به این نتیجه رسیدند که بین استفاده از پایگاه‌های اینترنت، ماهواره و هویت فردی و هویت جهانی رابطه مثبت و با هویت ملی و دینی رابطه منفی وجود دارد. همچنین ظروفی (۱۳۹۱) با بررسی ارتباط بین هویت ملی و استفاده از رسانه‌ها در بین دانشجویان نشان داد که بین میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان هویت ملی رابطه آماری معنی‌دار وجود دارد. استفاده از تلویزیون با افزایش هویت ملی و استفاده از موبایل و اینترنت با کاهش میزان هویت ملی همراه است. از این رو نظام آموزشی با اقدامات هدفمند در استفاده بهینه از رسانه‌های ارتباط جمعی می‌تواند از این امکان، به‌عنوان یک فرصت استفاده کند.

پیشنهادهای

- یکی از اقدامات ضروری در رابطه با تقویت هویت ملی، تشکیل کمیته راهبردی هویت ملی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش است تا با رصد کردن تغییرات نظام جهانی تعلیم و تربیت و پژوهش‌های آینده‌پژوهانه سیستم آموزش و پرورش را به‌روز کرده و با هماهنگی نمودن تمام دستگاه‌های ذی‌ربط و ارزیابی دائمی بر اجرای مصوبات به تقویت هویت ملی در نظام آموزشی بپردازد.
- یکی دیگر از اقدامات مناسب در راستای تقویت هویت ملی تحول در ساختار آموزش و پرورش، توسعه و بازسازی نظام آموزشی و تمرکززدایی از نظام آموزشی است. برای انجام این اصلاحات، آموزش و تربیت مدیران و معلمان آگاه، بانگیزه و باورمند به هویت ملی در دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت‌معلم از ضروریات است. در این راستا، قرار دادن سرفصل‌هایی در رابطه با ابعاد هویت ملی در منابع و محتوای دروس این دانشگاه‌ها و داشتن برنامه‌هایی چون اردوهای استانی و بازدید از تمام مناطق ایران در دوره چهارساله تربیت‌معلم پیشنهاد می‌گردد. در این راستا پیشنهاد می‌شود افراد دارای توانمندی، علاقه و باور و انگیزه در رابطه با ابعاد هویت ملی برای شغل معلمی انتخاب شوند.

- نظام آموزشی موظف شود به تنوعات فرهنگی، زبانی، قومی، دینی در آموزش توجه نماید و همه را مورد احترام قرار دهد.
- امروزه فناوری سبب افزایش اطلاعات و قدرت اختیار انسان شده است. در این فضا، دانش‌آموزان در معرض اطلاعات واگرایی بسیاری از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند، بنابراین اولاً آشنایی معلمان و والدین با فناوری‌های جدید به خصوص شبکه‌های اجتماعی امری غیرقابل چشم‌پوشی است و نظام آموزشی باید در این جهت تلاش مستمر و پیگیر داشته باشد و ثانیاً بدون وجود مطالبی که حاوی اطلاعات تاریخی و مستند از نحوه شکل‌گیری کشور ایران است، خوراک فکری لازم در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد. برنامه‌ریزان درسی لازم است اطلاعات کافی و صحیح در این مورد در شبکه‌های مجازی قرار دهد تا نوجوانان با اندیشه درست از توانایی‌های تفکر واقع‌بینانه و انتقادی و خلاقیت و توانایی حل مسأله مجهز شوند. دانش‌آموز امروز، در جامعه فردا با مسائلی مواجه می‌شود که باید در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کند؛ لذا نظام آموزشی باید به این آموزش‌های بنیادی در جهت تقویت ملی بکوشد.
- این مطالعه آینده‌پژوهانه نشان داد که جهانی‌شدن، آموزش شهروندی، رسانه‌ها، ویژگی‌ها و شخصیت معلم و چند فرهنگ‌گرایی بیشترین تأثیر را بر هویت ملی در نظام آموزشی خواهند داشت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود وضعیت هریک از این پیشران‌ها در نظام آموزشی در حال اجرا مشخص شده و برای مؤثر واقع شدن هر پیشران الگویی اجرایی طراحی شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ابوالزحسنى، عبدالرحيم (۱۳۹۰). «گرايش يا جهت‌گيرى هويت ملي در آينده». **سمينار تخصصى آينده‌شناسى هويت ملي در ايران**. پژوهشكده تحقيقات راهبردى.
- اخلاقى، آريتاو بهرام صالح صدق پور و مهدى نويدادهم (۱۳۹۹). «آينده‌پژوهى اجراء اهداف سند تحول بنيادين آموزش و پرورش در افق ۱۴۰۴». **فصلنامه راهبردى سياست‌گذارى عمومى**. شماره ۱۰: ۸۰-۵۷.
- اسميت، آنتونى دى (۱۳۸۳). **ناسيوناليسم - نظريه، ايدئولوژى، تاريخ**. ترجمه منصور انصارى. تهران: تمدن ايرانى.
- اشرف نظرى، على و على حسن پور (۱۳۹۱). «فرهنگ، قدرت و معنا در نظام آموزشى جمهورى اسلامى ايران». **فصلنامه مطالعات ملي**. شماره ۲: ۵۱-۲۷.
- اشرافى بوييه، شهزاده (۱۳۹۲). «مؤلفه‌هاى آينده‌پژوهى در محيط‌هاى آموزشى با تأكيد بر آموزه‌هاى اسلامى». **پايان نامه منتشر نشده كارشناسى ارشد**. دانشكده علوم تربيتى. دانشگاه تهران.
- اكبرى، محمدعلى (۱۳۸۵). **تبارشناسى هويت جديد ايرانى**. تهران: علمى و فرهنگى.
- اكبرى، حسين و جليل عزيزى (۱۳۸۷). «هويت ملي و عوامل مؤثر بر آن در ميان دانش‌آموزان متوسطه». **فصلنامه رفاه اجتماعى**. شماره ۷: ۳۹۸-۳۷۷.
- بازرگان، زهرا (۱۳۹۷). «آموزش فراگير». **دانشنامه برنامه درسى ايران**.
- تاجيك، محمدرضا (۱۳۸۴). **روايت غيريت و هويت در ميان ايرانيان**. تهران: فرهنگ گفتمان.
- جنكينز، ريچارد (۱۳۹۹). **هويت اجتماعى**. ترجمه نازنين ميرزاييگى. تهران: نشر آگه.
- چرخاب، مليحه؛ محمد حسين پور؛ ماريان نصيرى و امين كرابى (۱۳۹۳). «شناسايى ويژگى‌ها و شايستگى‌ها در توسعه منابع انساني آموزش و پرورش با رويکرد آينده‌پژوهى». **مطالعه موردى: مديران آموزش و پرورش استان خوزستان**. مقاله ارائه شده در همایش‌هاى بين‌المللى صداوسبما: **کنفرانس بين‌المللى مديريت در قرن ۲۱**.
- حاجيانى، ابراهيم (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسى هويت ايرانى**. تهران: مركز استراتژيك مجمع تشخيص مصلحت نظام.
- حاجيانى ابراهيم (۱۳۷۹). «تحليل جامعه‌شناختى هويت ملي در ايران و طرح چندفرضيه». **فصلنامه مطالعات ملي**. شماره ۵: ۲۲۸-۱۹۲.
- حاجيانى، ابراهيم (۱۳۹۰). «آينده‌شناسى هويت جمعى در ايران با روش تحليل ماتريس متقاطع». **سمينار تخصصى آينده‌شناسى هويت ملي در ايران**. پژوهشكده تحقيقات راهبردى.
- حاجيانى، براهيم و زهرا ايروانى (۱۳۹۷). «آينده‌پژوهى هويت ملي ايران در افق زمانى ۱۴۰۷». **فصلنامه مطالعات ملي** شماره ۷۶: ۲۰-۳.
- ذاكرى، مختار؛ بابك شمشيرى و فرهاد خرمابى (۱۳۹۴). «بررسى پديدارشناسانه مفهوم هويت: تلاشى در ارائه مدل فرايندهاى هويتى». **فصلنامه روش‌ها و مدل‌هاى روان‌شناختى**. شماره ۱۶: ۷۱-۵۹.

رمضان پور نرگسی، قاسم و آرمن خالقی و حجت‌اله حاجی حسینی (۱۳۹۶). «شناسایی روندهای فناوری و پیشران‌های تغییر شکل‌دهنده فرصت‌های کارآفرینانه در حوزه آموزش. آموزش عالی

ایران. شماره ۸: ۳۵-۱۹.

روحانی، حسن (۱۳۹۰). «چشم‌انداز هویت ملی و دینی ایرانی». سمینار تخصصی آینده‌شناسی هویت ملی در ایران. پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

ریتزر، جرج (۱۳۸۸). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، علمی.

ساروخانی، باقر و زهرا کروب (۱۳۸۸). «فرایند جهانی شدن و تاثیر آن بر نقش رسانه‌ها در حوزه فرهنگی ایران: مطالعه موردی تلویزیون» *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۷: ۷۳-۳۷.

سند تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (۱۳۹۰) تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صالحی، کیوان و زهره رهسپار و میترا عزتی و محمد مهدی ذوالفقارزاده (۱۳۹۸). «شناسایی و تحلیل ساختاری تأثیر متقابل پیشران‌های تغییر در حوزه آموزش و پرورش». *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۷۰: ۱۲۶-۱۰۱.

ظروفی، مجید (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط بین هویت ملی و استفاده از رسانه‌ها در بین دانشجویان». *مطالعات جامعه‌شناسی*. شماره ۵: ۱۵۵-۱۳۹.

فوکو، میشل (۱۴۰۰). *مراقبت و تنبیه تولد زندان*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی. قنبری، علی (۱۳۹۰). «نگاهی به آینده هویت ملی ایرانیان». *سمینار تخصصی آینده‌شناسی هویت ملی در ایران*. پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات و قدرت هویت*. ترجمه احمد علیقلیان و حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.

کوهی، کمال و محمدرضا حسنی (۱۳۹۱). «رابطه استفاده از رسانه‌های نوین با ابعاد هویتی در نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر تبریز». *پژوهش‌های ارتباطی*. شماره ۱۹: ۱۳۰-۱۰۹.

گلنر، ارنست (۱۳۸۸). *ناسیونالیسم*. ترجمه محمدعلی تقوی. تهران: نشر مرکز.

گوتک، جردال (۱۳۹۲). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*. ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: نشر سمت.

میرمحمدی، داوود و باقر ساروخانی (۱۳۹۱). «فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)». *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۵۲: ۳۰-۳.

میلر، جی‌پی (۱۳۹۲). *نظریه‌های برنامه درسی*. ترجمه محمود مهرمحمدی. تهران: نشر سمت.

نصر اصفهانی، احمدرضا و صدیقه کریمی (۱۳۹۲). «مفهوم و مدل جامعه‌یادگیری در کشور ایران». *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۲: ۶۶-۴۱.

Beaupre, B. (2000). *Blending Cultural, Academic, and Technological Communication: Literacy for the New Millennium*.

Billante, N. and Saunders, P. (2002); "Six Questions about Civility", Center for

Independent.

Eriksen, Thomas H. (1993). **Ethnicity and nationalism**, London: Pluto press.

Gay, Geneva. Tyrone, C. Howard. (2000), “**Multicultural teacher education for the 21st century.**”, The Teacher Educator 36(1):1-16.

Kim, Min-Sun and Hubbard, Amy S. Ebesu .)2007(. ‘**Intercultural Communication in the Global Village:How to Understand “The Other”**’, Journal of Intercultural Communication Research, 36: 3, 223 — 235.

